

بر فراز اورست

روزنوشت‌های مردی که از پا در نمی‌آید

نویسنده: مارک انگلس

ترجمه: طوفان مشهدی

طالابین



عنوان	: بر فراز اورست؛ روزنوشت‌های مردی که از پا در نمی‌آید
نویسنده	: مارک انگلس
مترجم	: عاطفه مشهدی
ویراستاران	: بهنام رمضانی‌نژاد و طاهره جمالی
صفحه‌آرا	: سهیلا یوسفی
طراح جلد	: شایا شهوق
سال چاپ	: ۱۳۹۹
نوبت چاپ	: اول
شماره	: ۱۰۰۰
قیمت	: ۷۰۰,۰۰۰ ریال
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۹۶۸-۳-۰



نشانی: ایران، تهران، صندوق پستی ۱۴۶۵-۵۹۴۳

تلفن: ۰۲۱-۵۴۹۳۲۰۰۰



www.atlas-p.ir

www.atlasbook.ir

Email: Info@atlas-p.ir

 [atlaspeydayeshpublishing](https://www.instagram.com/atlaspeydayeshpublishing)

بنابر قرارداد میان انتشارات اطلس پیدایش و انتشارات نارایانا حق انتشار (کپی‌رایت) این اثر به فارسی انحصاراً متعلق به انتشارات اطلس پیدایش است.

لطفاً به زحماتی که افراد متعدد برای تولید این اثر کشیده‌اند وفادار باشید.

- سرشناسه : انگلس، مارک، ۱۹۵۶-م.
- 1959, Inglis, Mark
- عنوان و نام پدیدآور : بر فراز اورست: روزنوشت‌های مردی که از پا در نمی‌آید
- نویسنده مارک انگلس؛ مترجم عاطفه مشهدی.
- مشخصات نشر : تهران: اطلس پیدایش، ۱۳۹۹
- مشخصات ظاهری : ۲۶۴ ص.: مصور (بخش رنگی). ۷۰۰,۰۰۰ ریال
- شاب : ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۹۶۸-۳-۰
- وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا
- یادداشت : Legs on Everest: the full story of his most remarkable : عنوان اصلی :
- 2006, adventure yet
- موضوع : انگلس، مارک، ۱۹۵۶-م.
- موضوع : -1959, Inglis, Mark
- موضوع : سرگردان - ایالات متحده - سرگذشتنامه
- موضوع : Mountaineers--United States--Biography :
- موضوع : ناقص‌العصرون - ایالات متحده - سرگذشتنامه
- موضوع : Amputees--United States--Biography :
- موضوع : کوهنوردی - اورست
- موضوع : Mountain climbing-- Everest (China and Nepal) :
- شناسه افزوده : مشهدی عاطفه مترجم
- رده‌بندی کنگره : ۹۲/GV۱۹۹
- رده‌بندی دیوپی : ۹۷۹۶۵۲۲/۷۷۹
- شماره کتابشناسی ملی : ۵۹۰۵۴۲۳

فهرست

۷	یادداشت اشر
۱۱	فصل اول: رویارویم با هری که قرار است چشیده شوند
۳۳	فصل دوم: آموختن از سبزه‌ها
۴۱	فصل سوم: جو اویی، بام دنیا
۶۷	فصل چهارم: پیش به سوی اورست- کامبوج
۸۳	فصل پنجم: در مسیر کاتماندو، دروازه‌ای به ری اورست
۱۰۳	فصل ششم: در آن سوی فلات تبت
۱۲۹	فصل هفتم: از کمپ پایه تا کمپ پیشرفته، چالش واقعی
۱۴۳	فصل هشتم: زندگی در کمپ پیشرفته، همه چیز به تمرکز ربط دارد
۱۷۳	فصل نهم: قلّه اورست، قلّه دستاوردها
۲۱۹	فصل دهم: سفری طولانی به سوی خانه
۲۴۱	فصل یازدهم: واقعیت
۲۴۷	سپاسگزاری‌ها
۲۴۹	تصاویر

یادداشت ناشر*

درس اسرار زمین انسان‌ها با تنوع بسیاری از یکدیگر زندگی می‌کنند و این موضوعی طبیعی و بدیهی است. بارها شنیده‌ایم که هیچ‌گاه دو نفر را نمی‌توان یافت که از جهات جسمی و روانی دقیقاً شبیه به یکدیگر باشند، حتی دوقلوها. تفاوت‌ها گاه ناچیز است و گاه فاحش و از سبک زندگی دیگر گاه بی‌دردسر است و گاه مشکل‌ساز؛ یکی از این تفاوت‌ها معلولیت است.

معلولیت زندگی را سخت می‌کند... برای فهم این موضوع کافی است تصمیم بگیرید روزی تنها با یک دستان همه کاره‌ای کار را انجام دهید یا همه روز را بر روی صندلی چرخ‌دار بنشینید و به امور روزمره‌تان رسیدگی کنید. یا دو عصا زیر بغل بگیرید و همه روز بدون استفاده از پاهایتان در خیابان بگردید و کالاهای مورد نیازتان را خریداری کنید و ...

درست است که زندگی هر یک از ما چالش‌هایی دارد. اما بول کنیم زندگی یک فرد معلول چالش‌هایی به مراتب بزرگ‌تر و بیشتر دارد. اگر شما در برآیند یک قدم کمی انرژی مصرف می‌کنید، میزان انرژی مصرف‌شده معلول جسمی برابر با شماست. برآیند همین یک قدم، به مراتب بسیار بیشتر است (دسترسی نداشتن به اکثر امکانات شهری و اجتماعی و ... را هم به این ضریب اضافه کنید!)؛ با وجود این هستند معلولانی که نه تنها از هدهده امور روزمره خود برآمده‌اند، بلکه با استقامت و پشتکار دست به کارهای خارق‌العاده‌ای زده‌اند.

مارک انگلس (Mark Inglis) از جمله افراد معلولی است که توانسته کارهایی

* این یادداشت توسط انتشارات اطلس پیدایش و با توجه به سابقه آشنایی با نویسنده کتاب (مارک انگلس) نوشته شده است.

شگرف انجام دهد؛ کارهایی که ممکن است انجام حتی یکی از آن‌ها برای افراد عادی به شکل خواسته‌ای ناممکن جلوه‌گر شود.

اما این کتاب فراتر از موضوع معلولیت، به ایستادگی انسان می‌پردازد. به قول مارک انگلس: این کتاب دربارهٔ صعود بر ذهن، ضمن صعود بر یخ و سنگ است.

هنوز پاهایش را از دست نداده بود که عشق به کوهنوردی او را بر سر شوق آورد تا به شکل جدی آن را پی بگیرد؛ تا اینکه در سال ۱۹۷۹ به‌عنوان کوهنورد حرفه‌ای جست‌وجو و نجات مشغول به کار شد.

در سال ۱۹۸۲ با همراهی کوهنوردی دیگر کوشید به بلندترین قلهٔ کوه نیوزلند صعود کند. رف و بوران آن‌ها را به اسارت درآورد. سیزده روز و نیم را در موقعیتی بسیار خطرناک و شگفت‌انگیز در پناه شکافی یخی گذراندند و نهایتاً به شکل معجزه‌آسایی نجات یافتند. پس از آن زندگی شدید پاهای مارک موجب شد پزشکان هر دو پا را از زیر زانو قطع کنند. از آن پس است که مارک خود را مقطوع العضو شناخت اما او با عزت نفس و استقامت شگفت‌انگیزی که باید تا وی دیگری برای سگّه وجودش ضرب کند و تصویری دیگر از خود بیافریند از این‌رو به لوله‌هایی فلزی که حالا حکم پاهایش را دارند به دانشگاه رفت؛ ادامهٔ تحصیل داد؛ با دریافت دانشنامهٔ لیسانس بیوشیمی نائل شد و در زمینهٔ سرطان خون تحقیق و مطالعه کرد. در همان روزها به‌طور جدی به ورزش اسکی مشغول شد و سپس به رویایی دیگر اندیشید: به روی آن گام برداشت: کسب مقامی بین‌المللی (پارالمپیک) در رشتهٔ دوچرخه‌سواری! همان خواسته او را به سوی تمرین و ورزشی در این رشته کشاند و ... نهایتاً در مسابقات پارالمپیک تابستانی ۲۰۰۰ سیدنی شرکت کرد و موفق به کسب مدال نقره شد.

اما این آخر داستان سخت‌کوشی‌ها و خواسته‌های شگفت او نیست. در عزم کوه کرد! به کجا؟ به همان کوهی که پاهایش را از او گرفته: بلندترین قلهٔ کوه نیوزلند! ... و موفق شد قلهٔ کوه را زیر پاهایش بگذارد، بدون اینکه این بار پاهایش دچار یخ‌زدگی شود؛ خوشبختانه پاهای مصنوعی‌اش یخ نمی‌زنند تا دوباره مقطوع‌العضو شود!

بلندی طبع و سخت‌کوشی نگذاشت به این حد راضی شود؛ او باید بر بام دنیا می‌ایستاد: بر فراز اورست! او از این کار دو نیت داشت؛ جمع‌آوری کمک برای خیریه‌اش که به افراد مقطوع‌العضو خدمت‌رسانی می‌کرد و محقق کردن آرزوی

همیشگی اش: فتح اورست. باید برای رسیدن به این رؤیا بیش از ۸۸۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع می‌گرفت تا بر قلّه بایستد. برای این کار باید آمادگی جسمی و روانی زیادی کسب کند. برای این منظور تمرین‌های مجدانه‌ای پیش گرفت و در نهایت به قلّه "چو اوی" صعود کرد تا خود را بیازماید و برای صعود اصلی آماده کند؛ آن‌هم هم‌زمان با زادروزش: ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۴ (هدیه تولّدی بی‌نظیر!)

او می‌دانست که از میان این‌همه علاقه‌مندان صعود به اورست، تنها معدودی موفق به اتمام شده‌اند و از آن تعداد هم فقط چند نفر انگشت‌شمار به قلّه رسیده‌اند و مهم‌تر از این... باید بکوشد تا از اورست زنده برگردد زیرا چندتن از فاتحان اورست هیچ‌گاه به خانه برنگشته‌اند!

چهل رز حرکت دشوار و پرحادثه به‌سوی "اورست" و نهایتاً صعود و ایستادن بر بام جهان در ۱۵ می ۲۰۰۴؛ آن‌هم... حالی که شکستن یکی از پاهای مصنوعی اش در نیمه‌راه — ارتفاع ۴۴۰۰ متری — موجب اتمام راه و صعودش به اورست با تردید مواجه شود؛ اما خوبی این پاها این بود که با نوازش سردن... کستگی آن توانست بازهم راه برود و تا وقتی دوستانش پاهای یدکی دیگرش را از کمپ پای... بیآورند، به راه خود ادامه دهد!

متعجب خواهید شد اگر بدانید که مارک از هیچ‌کدام از موفقیت‌هایش رضایت کامل ندارد و با وجود گذشتن از این سدها می‌گوید نه فتح دوباره همان کوهی که پاهایش در آنجا یخ زده، نه موفقیت در مسابقه دوچرخه‌سواری... کسب اولین مدال نقره برای کشورش، نه ایستادن بر فراز چو اوی و نه حتی خواست... ایستادن بر فراز اورست — این‌ها هیچ‌کدام او را راضی نکرد: "این آن چیزی نیست که می‌خواستم..." مارک می‌گوید وقتی از خودش رضایت پیدا کرد و حس خرسندی به او... داد که شادی یک انسان را دید، شادی مردی تبتی به نام تیلای که بیست سال بود با دل زرد دست‌دادن دو پایش، روی زمین می‌خزید و پای نداشت که بر روی آن‌ها راه برود و... تا اینکه مارک دو پای مصنوعی اضافه خود را به او داد و اولین قدم‌هایش را بعد از بیست سال برداشت. دیدن شادی هم‌نوع و دیدن لبخند صمیمانه و عمیق در چهره او و احساس مارک از در خدمت هم‌نوع بودن، برترین و راضی‌کننده‌ترین کاری است که او انجام داده. از همین روست که مؤسسه خیریه‌ای را با چشم‌انداز و تعهد خدمت به حدود چهارصد میلیون معلول در سراسر جهان به منظور شناساندن توانایی‌هایشان به خودشان تأسیس کرده و خدمت به انسان‌ها بر تارک قصر ایده‌هایش نقش بسته است.